

سه گلوگاه مبارزه با فساد

عباس عبدي

دولت جديد در جريان انتخابات بارها شعار داد که اولين مساله‌اي را که حل خواهد کرد، پديده فساد است. مي‌توانيم تصور کنيم که اين شعار صادقانه داده شده بود، ولي همه مي‌دانيم که شعار کلي دادن به تنهائي کافي نيست. به همين علت شعار دفاع از شفافيت نيز داده شد، زيرا لازمه مبارزه با فساد شفافيت است. البته شفافيت لازم است ولي کافي نيست. مبارزه با فساد چه مراحل و لوازمي دارد؟ براي مبارزه با فساد چند گلوگاه اصلي وجود دارد که بايد همه آنها را با يکديگر مسدود کرد.

گلوگاه اول که ورود به فساد را ممکن‌تر مي‌کند، مقررات ناکارآمد است. بسياري از مقررات فسادزا هستند و بايد اصلاح شوند. امضاهي طلايي، مقررات تبعيض‌آميز، دولتي کردن امور، قيمت‌گذاري‌ها و مجوزه‌هاي عجيب و غريب، ممنوعيت‌هاي واردات و صادرات غيرتعرفه‌اي، همگي منشا فساد هستند. بدون اصلاح آنها نمي‌توان با فساد مبارزه کرد. البته هميشه بخشي از اين مقررات باقي مي‌مانند و چاره‌اي هم نيست ولي بايد حداقل شوند. دولت جديد در اين زمينه تا حالا کار مثبتي انجام نداده است، البته دير هم نشده و به زمان بيشتري نياز است و بايد منتظر بود و ديد که چه اقداماتي انجام خواهد داد. اين مرحله به معنای باز بودن درها و پنجره‌هاي زياد براي ورود به داخل محوطه و فرآيند فساد است.

گلوگاه دوم مرحله ورود به ساختمان و انجام فساد است که راه مقابله با آن دفاع از حداکثر شفافيت و آزادي رسانه و حق دسترسي به اطلاعات و دادگاه‌هاي مستقل براي مواجهه با افراد متخلف است. بايد دوربين‌هاي رسمي و غيررسمي را زياد کرد تا همه ناظر رفتارهاي فسادآمیز باشند و اگر کسي وارد اين مرحله شد با او برخورد شود. آنچه در جريان فساد بيشتر به چشم مي‌آيد، اين بخش از مرحله فساد است. متاسفانه در اين مورد نيز اقدام ملموسي که متفاوت از گذشته باشد، صورت نگرفته است. البته تغيير مديران مي‌تواند گام مثبت يا منفي در اين زمينه باشد که بايد منتظر عملکرد آنان بود. در حقيقت ما در اين مرحله با چند نوع نظارت مواجه هستيم. نظارت مدني که از طريق رسانه‌ها و نهادهاي مدني انجام ميشود. نظارت درون سازماني از طريق ادارات بازرسي و حراست و مديريت‌ها انجام ميشود. نظارت قضايي

که از طریق دستگاه قضایی صورت می‌گیرد. در این زمینه نظارت مدنی اگر ضعیف‌تر نشده باشد، قوی‌تر نیز نشده است، زیرا رسانه‌های اصولگرا که دستشان در انجام این کار بازتر است و ترسی از عقوبت ندارند، مهر سکوت بر قلم‌های خود زده‌اند و اکنون چندان علاقه‌ای به ورود ندارند. نظارت قضایی نیز تغییر چندانی نکرده، یا حداقل تاکنون تغییر نکرده و نظارت درون سازمانی و درون دولتی نیز ابتدای راه است، باید منتظر بمانیم تا تغییرات آن را ببینیم.

گلوگاه سوم شاید از دو مورد قبلی مهم‌تر هم باشد که هدف این یادداشت پرداختن به وضعیت آن است. هر فساد که در نظام اداری انجام می‌شود در نهایت باید خود را در ثروت افراد نشان دهد. مثل مشروب است. اگر کسی مشروب بخورد باید در میزان مستی او بازتاب پیدا کند. در بسیاری از جوامع ممکن است مشروب غیرقانونی نباشد، ولی رانندگی در حالت مستی جرم است. در حقیقت در مورد مستی به خروجی آن کار دارند. اگر خروجی یک فعل را کنترل کنیم، افراد آن فعل را انجام نخواهند داد. اگر اطلاع از ثروت مردم (به نظرم همه مردم، چه مسوول چه غیرمسوول) حقی عمومی شناخته شود، مهم‌ترین گلوگاه فساد تحت نظارت قرار می‌گیرد. حالا اگر نخواهند یا نتوانند که همه مردم را مشمول این قاعده کنند، کارکنان دولت و بخش عمومی را می‌توان مشمول این امر کرد که ثروت خود و خانواده آنان و نیز دریافته‌های دولتی آنان در اختیار عموم قرار گیرد. هر چه فکر می‌کنم که ایراد چنین کاری چیست، هیچ چیزی به نظرم نمی‌رسد، جز اینکه تنها ایرادش جلوگیری کردن از فساد است!

اطلاع از ثروت مردم امر عجیبی نیست. در قدیم در روستاها همه مردم از اموال یکدیگر اطلاع داشتند، زیرا شیوه حصول ثروت شناخته شده بود و کسی هم از اینکه از ثروت او اطلاع داشته باشند نگران نبود و حتی بعضا فخر هم می‌فروختند. پس چه شده است که برخی افراد امروز درصدد مخفی کردن ثروت خود هستند؟ به نظر می‌رسد که حتی اگر دو گلوگاه اول و دوم نیز رها یا شل شوند، ولی گلوگاه سوم محکم‌تر از همیشه گرفته شود فساد، به ویژه فسادهای مستمر و ارقام درشت از میان خواهد رفت. چند سال پیش بر اساس پایگاه داده‌های خانوار مطالعاتی انجام شد و نمودار میان حقوق کارکنان دولت با ثروت آنان رسم شد. البته هر چه حقوق بیشتر بود به طرز معناداری ثروت هم بیشتر بود و این پدیده‌ای طبیعی است. ولی برخی کارمندان به طرز عجیبی خارج از این چارچوب بودند. ثروت‌های کلان داشتند، در حالی که حقوق‌های آنان عادی و حتی کم بود. به احتمال زیاد آنان با داشتن چنین ثروت‌هایی حاضر نمی‌شوند در نظام اداری کارهای سطح پایین کنند، مگر آنکه منبع ثروت آنان این جایگاه ویژه باشد.

نمودار رابطه حقوق کارکنان دولت بر اساس حکم کارگزینی و پایگاه اقتصادی

- محور افقی مبلغ حکم کارگزینی و محور عمودی پایگاه اقتصادی کارکن
منبع: از پایگاه داده‌های رفاه ایرانیان



توضیح نمودار:

مثلت گوشه شکل افرادی را نشان می‌دهد که با توجه به دریافتی حقوقشان ثروت نامتعارفی دارند. برای نمونه طرف کارمند عادی است ولی یک ویلا در لواسان و یک آپارتمان مجلل در شهرک غرب دارد. اگر دسترسی به ثروت آنان مجاز باشد هیچ‌گاه نمی‌توانند مرتکب چنین فسادهایی شوند. حالا با این توضیحات باید پرسید که محرمانه تلقی کردن ثروت مسوولان و مجرمانه شدن افشای آن چه پیامی دارد؟ روشن است که باز کردن این گلوگاه و باز شدن راه فساد تنها نتیجه‌ای است که از آن می‌توان گرفت. اصولاً چه اشکالی دارد که تمامی ثروت افراد آشکار باشد، اگر این ثروت مشروع باشد؟ حتی اگر مشروع هم باشد ولی کسی از آن اطلاع نداشته باشد راه را بر ریاکاری باز می‌کند. آیا افشای ثروت افرادی که ثروت زیادی ندارند هم جرم تلقی خواهد شد؟ یا فقط افشای ثروت ثروتمندانشان جرم است؟ متأسفانه در این بخش از مبارزه با فساد به طرز فاحشی عقبگرد شده است و با اعلام مجرمانه بودن افشای ثروت مسوولان پیام بسیار بدی به جامعه داده شد. این تصمیم مجمع تشخیص مصلحت را می‌توان اینچنین تعبیر کرد که نظام خود را تابع مصلحت و منافع افراد کرده است. داشتن ثروت نه تنها بد نیست، بلکه خوب هم هست، مشروط بر اینکه مشروع و قانونی و

از راه‌های متعارف به دست آمده باشد. به‌طور معمول همه فسادها در میزان ثروت بازتاب پیدا می‌کنند. اگر آن را محرمانه اعلام کنیم، راه فساد را باز کرده‌ایم. این شفافیت را می‌توان برای کل جامعه نیز تعمیم داد تا کلاهبرداران، دزدها، رانت‌خواران نیز مشخص شود. منتظر می‌مانیم تا عیار این دولت در اجرای شعارهایش سنجیده شود.

□□□□□□ 1400 □□□ 24 □□□□□□ □□□□□□□□:□□□□